



پس از آنکه رئیس‌جمهور آمریکا

اعلام کرد فعال‌قصدی برای اسال موشک‌های کروز تاماهاوک به اوکراین ندارد، «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس‌جمهور اوکراین دست خالی از کاخ سفید بازگشت.

طی چند هفته گذشته بحث‌هایی درباره احتمال ارسال موشک‌های استراتژیک تاماهاوک به اوکراین از سوی آمریکا مطرح شده بود اما پس از گفت‌وگوی تلفنی ترامپ با ولادیمیر پوتین، آمریکا ارسال موشک‌های تاماهاوک به اوکراین را در شرایط فعلی تأیید نکرد و ترامپ اعلام کرد به زودی در مجارستان با همتای روس خوددیدار خواهد کرد.رئیس‌جمهور آمریکا همچنین تأکید کرد امیدوارم بتوانیم جنگ را بدون فکر کردن به ارسال موشک‌های تاماهاوک به اوکراین تمام کنیم و فکر می‌کنم به آن زمان خیلی نزدیک شده‌ایم.

پیش‌تر ترامپ امیدوار بود با برگزاری یک نشست رودرو

با رئیس‌جمهور روسیه که کمتر از ۳ ماه پیش در آلاسکا برگزار شد، بتواند پوتین را متقاعد کند وارد مذاکرات جامع صلح برای پایان دادن به جنگ شود اما آن نشست نتوانست به نتیجه مورد نظر وی منجر شود و در چند هفته گذشته موضوع ارسال موشک‌های تاماهاوک به اوکراین مطرح شده، هرچند ترامپ در شرایط فعلی ارسال چنین موشک‌هایی به اوکراین را رد کرده است.

درخواست زلنسکی در شرایطی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا رد شده که بیشتر رئیس‌جمهور اوکراین در گفت‌وگو با دوپچه وله آلمان مدعی شده بود موشک‌های تاماهاوک می‌توانند به پایان جنگ اوکراین کمک کنند.زلنسکی مدعی شده بود روسیه از اینکه آمریکایی‌ها به ما تاماهاوک بدهند، نگران است و ارسال این موشک‌ها می‌تواند عرق فشار بر مسکو برای صلح باشد. وی همچنین ادعا کرده بود اگر آمریکا این سلاح‌ها را در اختیار اوکراین قرار دهد، این کشور فقط از آنها برای حمله به اهداف نظامی روسیه استفاده خواهد کرد.

همزمان با درخواست اوکراین، «ولادیمیر پوتین»،

رئیس‌جمهور روسیه هم هشدار داد ارسال موشک‌های تاماهاوک به اوکراین «یک تنش کاملاً جدید و متفاوت» در روابط روسیه - آمریکا ایجاد خواهد کرد. «بیمتری پسکوف»، سخنگوی پوتین هم به تلویزیون دولتی روسیه گفته بود تحویل موشک‌های تاماهاوک به اوکراین باعث «تنش شدید» در روابط مسکو - واشنگتن خواهد شد. پس از هشدارهای روسیه درباره ارسال موشک‌های تاماهاوک به اوکراین، دونالد ترامپ، روز گذشته بار دیگر تأیید کرد آمریکا خود به موشک‌های کروز تاماهاوک نیاز دارد و نمی‌تواند آنها را به اوکراین بدهد. رسانه آمریکایی پلیتیکو نیز روز دوشنبه به نقل از یک منبع آگاه خبر داد زلنسکی به این امید به واشنگتن رفت که ترامپ را متقاعد کند موشک‌های تاماهاوک را به اوکراین برساند اما نارضی آنها را ترک کرد و تا اینجا ی کار، اصرارهای زلنسکی به ترامپ برای گرفتن موشک‌های تاماهاوک بی‌نتیجه بوده است.

■ **تاماهاوک چه ویژگی‌هایی دارد؟**

تاماهاوک موشک کروز مادون صوت (کمتر از سرعت صوت) با دقت بالااست. آنها در انواع مختلفی عرضه می‌شوند و می‌توانند کلاهک‌های مختلفی از جمله کلاهک هسته‌ای را حمل کنند و از دستگاه‌های مختلفی قابل پرتاب هستند.

چرا ترامپ امید زلنسکی برای دسترسی به موشک‌های تاماهاوک را ناامید کرد

تکیه بر باد!



«کنسناتتین کریولاپ»، کارشناس نظامی به فاکس‌نیوز گفته است: «تاماهاوک یک موشک نسبتاً قدیمی است که دهه ۱۹۷۰ توسعه یافت. آمریکایی‌ها ابتدا آن را به عنوان یک سیستم حمل کلاهک‌های هسته‌ای در نوع طراحی کردند: هوآر تاپ، زمین‌پایه و دریاپایه.»

گزارش سی‌ان‌ان هم درباره موشک‌های تاماهاوک توضیح داده است این موشک‌ها ابتدا مجهز به کلاهک هسته‌ای و با بردی تا ۲۵۰۰ کیلومتر بودند. با جایگزینی کلاهک‌های هسته‌ای با کلاهک‌های متعارف و معمولی، برد موشک‌های تاماهاوک به ۱۶۰۰ کیلومتر کاهش یافت، هرچند برخی از انواع آن هنوز بردی تا ۲۵۰۰ کیلومتر دارند.

با این حال، گزارش‌ها نشان می‌دهد سامانه‌های موشکی تاماهاوک زمینی پس از امضای پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد (INF) در سال ۱۹۸۷ بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق برچیده شدند اما پس از خروج آمریکا از این پیمان (INF) در سال ۲۰۱۹ در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، بسیاری از پرتابگرهای تاماهاوک بار دیگر احیا شدند. ویژگی کلیدی موشک تاماهاوک، توانایی پرواز در ارتفاع بسیار پایین است.

کریولاپ معتقد است موشک تاماهاوک دوربردترین موشک کروز غیرهسته‌ای غرب است و پرواز در ارتفاع پایین مهم‌ترین ویژگی آن به شمار می‌رود.

گزارش‌های دیگری نیز نشان می‌دهد موشک‌های کروز تاماهاوک توسط نیروهای آمریکایی در تجاوز علیه عراق، لیبی و سوریه مورد استفاده قرار گرفت‌اند. «آندری کووالنکو»، کارشناس نظامی نیز در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان تأکید کرد

موشک‌های تاماهاوک از سیستم‌های ناوبری پیچیده‌ای استفاده می‌کنند و به طرف مقابل تنها چند ثانیه فرصت واکنش می‌دهند. به گفته این کارشناس، برای رهگیری موشک‌های تاماهاوک به شبکه‌ای متراکم از رادارهای سطح پایین، هدف‌گیری سریع و شبکه دفاع هوایی هماهنگ نیاز است.

کووالنکو گفت: «این موشک‌ها ویژگی هنگامی که به صورت رگباری پرتاب می‌شوند، مؤثرند و سامانه‌های پدافندی در برابر شلیک رگباری این موشک‌ها قفل می‌شوند.» همچنین «اوله کاتنکوف»، سربریدفینس اکسپرس معتقد است قابلیت‌های دوربرد تاماهاوک به نیروهای اوکراینی اجازه می‌دهد اهداف نظامی کلیدی را در عمق خاک روسیه تا فاصله ۱۶۰۰ کیلومتری (۱۰۰۰ مایل) هدف قرار دهند و این می‌تواند به معنای هدف قرار گرفتن تعدادی از کارخانه‌های تسلیحات روسیه باشد.

موسسه مطالعات جنگ (ISW) مستقر در آمریکا نیز در گزارشی نوشت: اوکراین می‌تواند: از موشک‌های تاماهاوک برای آسیب رساندن یا نابودی قابل توجه تأسیسات نظامی کلیدی در داخل روسیه، مانند کارخانه پهباد در یلاوگا، تاتارستان یا پایگاه هوایی انگلز-۲ در ساراتوف استفاده کند. موسسه مطالعات جنگ تخمین زده است ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ هدف نظامی روسیه می‌تواند در برد موشک‌های تاماهاوک باشد، هرچند تحویل این موشک‌ها به اوکراین فعلا در دستور کار آمریکا نیست.

■ **هزینه زیاد تاماهاوک**

به‌رغم اینکه موشک‌های تاماهاوک دارای قابلیت‌های

نظامی قابل توجهی هستند اما استفاده از آنها بسیار گران است. گزارش فاکس‌نیوز حاکی از آن است قیمت موشک‌های تاماهاوک بسته به کشور خریدار متفاوت است. به عنوان مثال، هلند برای هر موشک ۱۲.۵ میلیون دلار (۱۰.۶ میلیون یورو) به آمریکا می‌پردازد، در حالی که ژاپن فقط ۴.۲۵ میلیون دلار به آمریکا می‌پردازد و در واقع آمریکا با کشورهای مختلف با قیمت متفاوت محاسبه می‌کند.

کاتکوف درباره هزینه تأمین موشک‌های تاماهاوک برای اوکراین در گزارشی بررسی کرده است کی‌یف با حداکثر نیم میلیارد دلار بودجه در دسترس، فقط ۱۱۷ موشک تاماهاوک را می‌تواند از آمریکا خریداری کند، آن هم به شرطی که آمریکا بخواهد با حداقل قیمت یعنی به قیمت فروش این موشک‌ها به ژاپن یا اوکراین محاسبه کند اما اگر ترامپ بخواهد این موشک‌ها را به همان قیمتی که به هلند فروخته، با اوکراین حساب کند، تعداد موشک‌ها برای اوکراین بسیار کمتر خواهد بود.

از سوی دیگر گزارش سی‌ان‌ان نشان می‌دهد نرخ تولید همه انواع تاماهاوک حدود ۵۰ موشک در سال است. این مقدار چندان تولید زیادی نیست و معنای آن برای اوکراین این است که این کشور قطعاً هزاران موشک در یافت نخواهد کرد.

■ **آیا تاماهاوک اوکراین را نجات می‌دهد؟**

اگرچه با موضوع‌گیری‌های اخیر ترامپ، ارسال موشک‌های تاماهاوک به اوکراین در شرایط فعلی و در کوتاه‌مدت منفی است اما این احتمال وجود دارد که در آینده نزدیک، بار دیگر در صورت شکست گفت‌وگوها میان کاخ سفید کاخ کرملین، ارسال موشک‌های تاماهاوک روی میز مذاکرات زلنسکی و ترامپ قرار گیرد.

با این حال، دست اوکراین برای استفاده از این نوع موشک‌ها چندان هم باز نیست. نشریه آمریکایی آتلانتیک در گزارشی نوشت: حتی اگر این موشک‌ها به اوکراین تحویل شوند، آنها سلاح‌های شگفت‌انگیزی نیستند و باعث پیروزی یک‌شنبه اوکراین نخواهند شد.

وال‌الستریٹ ژورنال نیز می‌نویسد: موشک تاماهاوک «سلاح بسیار ارزشمندی» خواهد بود، هرچند شاید «تغییردهنده بازی» در جنگ اوکراین نباشد. «مایکل کلارک» می‌گوید موشک‌های تاماهاوک احتمالاً برای حمله به مسیرهای حمل‌ونقل و لجستیک روسیه در پشت خط مقدم استفاده خواهند شد و اوکراین از این موشک‌ها برای بمباران انبارهای نفت، پایگاه‌های نگهداری نیروها، کاروان‌های نقلیه و کارخانه‌های تولید پهباد استفاده خواهد کرد اما روسیه نیز در مقابل بانک اهداف خود در اوکراین را گسترش خواهد داد و هزینه استفاده از این موشک‌ها برای اوکراین بسیار زیاد خواهد بود.

این را نیز باید در نظر داشت که ارائه موشک‌های تاماهاوک به اوکراین با چالش‌های بزرگی همراه است، بویژه اینکه اوکراین پرتابگرهای دریایی با زمینی لازم برای شلیک این موشک‌ها را ندارد و موشک‌های تاماهاوک را نمی‌توان از هواپیما پرتاب کرد.

علاوه بر این، محدود بودن تولید و قیمت گران موشک‌های تاماهاوک چالش‌های دیگری برای اوکراینی‌ها جهت دسترسی به این موشک‌هاست، هرچند تاکنون ارسال تاماهاوک به اوکراین فقط در حد شعار و بلف بوده و بعید است ترامپ به این زودی حاضر به تحویل این موشک‌ها به اوکراین شود.

■ **حمله‌های سنگین اسرائیل به جنوب لبنان**

جنگنده‌های اسرائیلی بعدازظهر دیروز (دوشنبه)، چند نقطه کوهستانی در جنوب لبنان را مورد تهاجم قرار دادند. منابع محلی لبنان خبر دادند در این حملات منطقه‌های «محمودیه» و «جرمق» هدف حمله قرار گرفتند. بر اساس گزارش‌ها، مناطق هدف، بیشتر نیز چندین بار توسط جنگنده‌های اسرائیلی مورد تهاجم قرار گرفته‌اند. ارتش صهیونیستی با انجام این حمله یک بار دیگر توافق آتش‌سب با لبنان را نقض کرد؛ توافقی که نوامبر ۲۰۲۴ منعقد شده و بارها توسط تل‌آویو زیر پا گذاشته شده است. دولت لبنان در پی نقض مکرر حریم هوایی خود چند بار از اسرائیل به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرده اما حملات این رژیم همچنان ادامه دارد.

ساعاتی است که آنها در خارج از نشست‌ها صرف این مساله کردند. جورج بوش، باراک اوباما و جو بایدن نیز روزها و شاید هفته‌ها را به مسائل مرتبط با اسرائیل اختصاص دادند و آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، در طول ۴ سال دوران مسؤلیتش ۱۶ سفر به اسرائیل داشت؛ در حالی که تنها ۲ سفر به کل قاره آفریقا ترتیب داد، حتی ترامپ هم نتوانسته است از اسرائیل دور بماند یا سیاست‌های اسرائیل را به طور کامل به زیردستان خود واگذار کند. هر ساعتی که رئیس‌جمهور، مشاوران ارشد او و دیگر مقامات عالی‌رتبه صرف این مسائل می‌کنند، ساعتی است که نمی‌توانند صرف مشکلاتی کنند که اهمیت مستقیم بیشتری برای امنیت و رفاه ایالات متحده دارد. به همین دلیل است که من و دیگران بارها خواست‌ایم ایالات متحده رابطه‌ای عادی با اسرائیل داشته باشد که متناسب با اندازه و اهمیت استراتژیک آن و در تطابق با منافع ایالات متحده باشد. در یک رابطه عادی، واشنگتن دیگر ولومود نمی‌کند منافع ایالات متحده و اسرائیل یکسان است، اگر یک رابطه عادی ا وقتی اسرائیل به گونه‌ای عمل کند که ایالات متحده آن را مطلوب بداند؛ از حمایت آمریکایی‌ها هم‌برهم‌ند خواهد شد و مثلاً اگر با ساختن شهر کهای بیشتر در سرزمین اشغالی به گونه‌ای عمل کند که برخلاف ترجیحات ایالات متحده باشد، با مخالفت شدید واشنگتن روبرو خواهد شد.

برخی ناظران ممکن است استدلال کنند رابطه عادی با اسرائیل منطقی نیست؛ زیرا اسرائیل به دلیل ریشه‌های تاریخی آن، تاریخ طولانی و تراژیک یهودستیزی مسیحی، میراث هولوکاست و حضورش در یک منطقه پر از تعارضات، یک دولت جدید نیست؛ شاید! اما سال ۲۰۲۵ دلایلی که اسرائیل در آنها عادی نیست، در واقع دلایلی برای کاهش حمایت ایالات متحده از آن به جای حفظ آن به شمار می‌رود. همان‌طور که «یان لستیک» اخیراً اشاره کرد، اسرائیل به‌طور قابل ملاحظه‌ای با تعریف «دیوانه» که روی دولت‌های سیاسی اسرائیلی «بجزکل درور» ارائه شده، مطابقت دارد. «کشور دیوانه» ژیمی است که ۱- اهداف تهاجمی را دنبال می‌کند که اغلب به دیگران آسیب می‌زند، ۲- تهدیدی شدید به این اهداف دارد، ۳- احساس برتری اخلاقی شدیدی را نشان می‌دهد، اگرچه حاضر است به‌طور غیراخلاقی عمل کند، ۴- توانایی انتخاب منطقی ابزارهای مناسب برای پیگیری این اهداف را دارد، ۵- قابلیت‌های کافی برای دنبال کردن این اهداف را دارد. از نظر لستیک، یکی از عوامل تعیین‌کننده مهم در مسیر کنونی اسرائیل «حمایت تقریباً بی‌قید و شرطی است که دولت‌های آمریکا به دولت‌های اسرائیل داده‌اند»، رفتاری که او آن را به «قدرت سیاسی فراوان لابی اسرائیل در واشنگتن» نسبت می‌دهد.

آیا این موضع «ضداسرائیل» است؟ یا هیچ وجه. حمایت بی‌قید و شرط برای ایالات متحده به بوده و برای اسرائیل، قاجحه‌آمیز است، چرا که از حمایت بین‌المللی خود می‌کاهد، اسرائیل در داخل هم به‌طور چشمگیری چندپاره شده است، به سمت راست مسیحی افراطی‌تر می‌رود و از مهاجرت پیوسته نخبگان تحصیلکرده و اقتصادی‌خود رنج می‌برد. سیاست «رابطه عادی» برای آمریکا و اسرائیل در بلندمدت بهتر خواهد بود، حتی اگر این رابطه نرمال، در راستای منافع «آپیک» یعنی سازمان لابی صهیونیستی آمریکا، مسیحیان متحد با اسرائیل و دیگر گروه‌هایی نباشد که حیات این رابطه ویژه را تضمین کرده‌اند و به اسرائیل این امکان را داده‌اند درد و رنج قابل توجهی را بر میلیون‌ها فلسطینی مجبور به پذیرش وارد کند. به‌طور خلاصه، اگر می‌خواهید صلحی پایدار داشته باشید، به یک رابطه عادی‌تر با اسرائیل نیاز است.

استفن والت، نظریه پرداز برجسته روابط بین‌الملل از رابطه ویژه آمریکا و اسرائیل به عنوان ریشه تداوم خشونت در خاورمیانه یاد می‌کند

رابطه ویژه گروه‌کشتار!

فلسطینی‌ها همدردی دارند تا با اسرائیل و ۴۱ درصد گفته‌اند معتقدند اقدامات اسرائیل جنایت علیه بشریت است، در حالی که تنها ۲۲ درصد اقدامات این دولت را توجیه‌پذیر می‌دانند. حمایت از اسرائیل بیشتر از همه در میان دموکرات‌ها و مستقل‌ها کاهش یافته است اما برخی شخصیت‌های برجسته محافظه‌کار مانند استیوین و تاکر کارلسون نیز انتقادات شدیدی را مطرح کرده‌اند. دموکرات‌ها بیشتر تحت تأثیر نگرانی‌های حقوق بشری قرار گرفت‌اند، در حالی که منتقدان محافظه‌کار، حمایت بی‌قید و شرط و رو به افزایش ایالات متحده از اسرائیل را ناسازگار با ایده «اول آمریکا» می‌بینند.

در برنامه‌های مستقیم این رابطه ویژه مدت‌هاست مشهود شده است. حتی با اینکه اسرائیل اکنون مرفه و دارای زرادخانه بزرگی از سلاح‌های هسته‌ای و بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک نظامی خارجی ایالات متحده است، دولت آمریکا هنوز هم به‌طور رسمی معتقد به حفظ «برتری کیفی نظامی» تل‌آویو در برابر سایر رقبای منطقه‌ای است. مجموعه معمول کمک‌های نظامی سالانه حدود ۴ میلیارد دلار است که در طول جنگ اسرائیل و حماس افزایش یافت و مالیات‌دهندگان آمریکایی ۲۲ میلیارد دلار برای آن پرداخت کردند. حمایت بی‌قید و شرط آمریکا باعث شده ایالات متحده در اکثر کشورهای خاورمیانه از محبوبیت زیادی برخوردار نباشد. حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل، قدرت نرم آمریکا را کاهش می‌دهد، زیرا ادعای واشنگتن درباره دفاع قاطع از حقوق بشر و برتری اخلاقی آن نسبت به رقبای بزرگ و قدرتمندی مانند روسیه یا چین را تضعیف می‌کند. این نوع تناقض ممکن است برای دولت ترامپ نگران‌کننده نباشد، چون این دولت توجه زیادی به چنین آرمان‌هایی ندارد اما هنوز هم با ایده‌ال‌های لیبرال آمریکا در تضاد است.

رابطه ویژه همچنین به این معناست که اسرائیل با کمالاتی که میلیون‌ها نفر در اسرائیل به‌طور منظم در اختیار می‌گیرند، نچیزی به برزیل هم توجه کند. قدرتمندترین کشور جهان را به خود اختصاص می‌دهد. به میزان پوششی خبری‌ای که این دولت کوچک به خود اختصاص می‌دهد، مثلاً در مقایسه با کشورهای بزرگ‌تر و استراتژیک‌تری مانند هند، ژاپن، اندونزی، نیجریه یا برزیل هم توجه کند. اتریش تقریباً همان جمعیت و تولید ناخالص داخلی اسرائیل را دارد و میزان بسیاری از آژانس‌های بین‌المللی است، با این حال آمریکایی‌ها فقط به صورت پراکنده درباره آن می‌شنوند. یا به تعداد اندیشه‌کدها و گروه‌های لابی که به اسرائیل کوچک اختصاص داده شده و میزان زمانی که سیاستمداران آمریکایی به مشکلات آن اختصاص می‌دهند نگاه کنید. علاوه بر این، مسائل مربوط به اسرائیل کوچک به‌طور مداوم به زندگی فرهنگی و فکری گسترده‌تر آمریکا سرریز می‌کند. حمله کنونی به دانشگاه‌ها دلایلی زیادی دارد اما این حملات، به دلیل اتهام اغراق‌شده یهودستیزی به دانشجویهایی که به نسل‌کشی اعتراض می‌کردند، تقویت شده است.

در نهایت، به میزان زمانی که رئیس‌جمهور آمریکا صرف این دولت کوچک می‌کند توجه کنید. جیمی کارتر تقریباً ۲ هفته از دوران ریاست‌جمهوری‌اش را صرف مذاکره شخصی برای توافقات کمپ‌دیوید در سال ۱۹۷۸ کرد و بیل کلینتون نیز تلاش مشابهی داشت؛ این زمان بدون در نظر گرفتن تمام



استفن والت، استاد برجسته روابط بین‌الملل چند روز پس از آغاز فرایند آتش‌بس در غزه، متن مهمی در رابطه با پایداری آتش‌بس، در رسانه فارن پالیسی نوشت که شاید بتوان آن را مهم‌ترین و البته متفاوت‌ترین تحلیل از این توقف آتش دانست. او نسبت به پایداری توافق بدبین است و آن را نه یک منافع، بلکه «ولنتیاموژی» می‌داند که توسط میثاجی‌های کاملاً طرفدار اسرائیل طراحی شده و خواسته‌های غیرقابل اجرائی مانند خلع سلاح کامل حماس را بر دوش فلسطینی‌ها می‌گذارد. والت معتقد است تاریخ نماند اسرائیل از چنین فرصت‌هایی برای اعلام عدم پایبندی طرف مقابل و ازسرگیری خشونت استفاده می‌کند. تحلیل والت فراتر از آتش‌بس موقت می‌رود و ریشه مشکل را در «رابطه ویژه» آمریکا و اسرائیل می‌داند. او استدلال می‌کند حمایت بی‌قید و شرط واشنگتن از رژیم که سالانه میلیاردها دلار هزینه برای مالیات‌دهندگان آمریکایی دارد و قدرت نرم آمریکا را با تضعیف ادعاهایش در زمینه حقوق بشر از بین می‌برد، به اسرائیل اجازه داده بدون مواجهه با عواقب جدی، سیاست‌های خود را دنبال کند. والت بر آن است این رابطه نامتناسب و ناموزون، زمان و انرژی هنگفتی از رؤسای جمهوری و دیپلمات‌ها ارشد آمریکا گرفته که می‌توانست صرف مسائل حیاتی‌تر برای امنیت ملی آمریکا شود. والت با اشاره به تغییر نگرش افکار عمومی در جهان و حتی در داخل آمریکا علیه اقدامات اسرائیل، راحل نهایی را در «عادی‌سازی» این رابطه می‌داند. رابطه‌ای که در آن حمایت آمریکا مشروط به همسویی اقدامات اسرائیل با منافع ایالات متحده باشد. از نظر او، تنها چنین تغییری می‌تواند زمینه را برای وضعیتی پایدارتر و شاید صلح فراهم کند. در ادامه، خلاصه‌ای از این یادداشت بسیار مهم را می‌خوانیم.

«ما همه می‌توانیم به توافق کشتار در غزه، مبادله اسرای اسرائیلی و اسرای فلسطینی و از اینکه کمک‌های بشردوستانه راحت‌تر به جمعیت رنج‌دیده غزه می‌رسد، خوشحال باشیم. جای تعجب نیست که دونالد ترامپ، در حال جشن گرفتن پیروزی است و توافقی آتش‌بس در اطلاع تاریخی یک خاورمیانه جدید می‌نامد. البته او قبلاً هم چنین گفته‌هایی داشته و من روی آن شرط نمی‌بندم.

۲ سوال مهم در پس این توافق هنوز باقی مانده است. سوال اول این است: «آیا این آتش‌بس برقرار خواهد ماند؟» و سوال دوم که پاسخ آن تا حد زیادی به سوال اول بستگی دارد، این است: «آیا روابط اسرائیل با بقیه جهان، بویژه رابطه خاص آن با ایالات متحده، به گونه‌ای در حال تکامل است که بتواند زمینه‌ساز صلحی پایدار در نهایت شود؟»

درباره سوال اول، سخت است خوشبین باشیم. همان‌طور که دیگر منتقدان اشاره کرده‌اند، طرح صلح توسط میثاجی‌گران کاملاً طرفدار اسرائیل در آمریکا یعنی استیو ویتفاک و جرد کوشر طراحی شده و مشارکت فلسطینی‌ها در آن بسیار کم است. این طرح در شکل نهایی‌اش بیشتر شبیه یک اولتیماتوم است تا توافقی که بر سر آن مذاکره شده باشد. این طرح، برخی خواسته‌های جداگتری راست‌گرایان افراطی اسرائیل (مانند الحاق غزه و اخراج دائم ساکنان فلسطینی آن) را رد می‌کند اما از فلسطینی‌های خواه تغییرات‌شور و غیرقابل راستی‌آزمایی مانند خلع سلاح کامل حماس، تحریک می‌کند تا توطئه‌های آن، اخراج این گروه از تمام فعالیت‌های سیاسی و اصلاحات رادیکال اما مبهم در ساختار تشکیلات خودگردان فلسطین را انجام دهند